

نقش واسطه‌ای ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی در رابطه بین تعارض والد-نوجوان با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا

The Mediating Role of Perceived Burdensomeness and Suicidal Ideation in the Relationship Between Parent-Adolescent Conflict and Non-Suicidal Self-Injury

Arezoo Valinezhad

PhD Student in Psychology, Department of psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

Mohtaram Nemattavousi*

Associate Professor, Department of Psychology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. M_nemattavousi@azad.ac.ir

Hossein Rezabakhsh

Assistant Professor, Department of Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran.

Adis Kraskian Mujemrari

Assistant Professor, Department of Psychology, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

آرزو والی نژاد

دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

محترم نعمت طاوسی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

حسین رضابخش

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.

آدیس کراسکیان موجمناری

استادیار گروه روان‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

Abstract

This research was carried out with the purpose of investigating the mediating role of perceived burdensomeness and suicidal ideation in the relationship between parent-adolescent conflict and non-suicidal self-injury. Research statistical population were the 224,400 high school students in Tehran in year 2018-2019. 420 students were selected via sampling cluster random method and Beck scale for suicidal ideation (Beck, Kovacs and Weissman, 1979), self-harm inventory (Sansone, Wiederman, Sansone and Touchet, 1998), conflict behavior questionnaire (Robin and Foster, 1989) and Interpersonal needs questionnaire (Van Orden, Kukrowicz, & Witte & Joiner, 2012) responded. The results of the path analysis showed that parent-adolescent conflict has a significant indirect effect on non-suicidal self-injury through suicidal ideation and perceived burdensomeness. In addition, parent-adolescent conflict, perceived burdensomeness, and suicidal ideation had the ability to explain 36% of the variance of non-suicidal self-injury. Based on the results of the research, it can be concluded that reducing the perceived burdensomeness, suicidal ideation, and resolving parent-adolescent conflicts can have an effective role in reducing non-suicidal self-injury.

Keywords: *perceived burdensomeness, suicidal ideation, parent-adolescent conflict, non-suicidal self-injury.*

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین نقش واسطه‌ای ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی در رابطه بین تعارض والد - نوجوان با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا اجرا شد. جامعه‌آماري پژوهش دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ به تعداد ۲۲۴۴۰۰ نفر بود. ۴۲۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب و به مقیاس ایده‌پردازی خودکشی بک (BSSI، بک و همکاران، ۱۹۷۹)، سیاهه آسیب به خود (SHI)، سانسون و همکاران، ۱۹۹۸)، پرسشنامه رفتار متعارض (CBQ)، رابین و فاستر، ۱۹۸۹) و پرسشنامه نیازهای بین فردی (INQ)، ون آردن و همکاران، ۲۰۱۲) پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مسیر نشان داد، تعارض والد - نوجوان با ادراک سربار بودن، ایده‌پردازی خودکشی و جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا ارتباط مستقیم معنادار ($P < 0/01$) و ایده‌پردازی خودکشی و ادراک سربار بودن با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا ارتباط مستقیم معنادار ($P < 0/01$) و تعارض والد - نوجوان با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا از طریق ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی ارتباط غیرمستقیم و معناداری ($P < 0/01$) بودند. نتایج این پژوهش نشان داد تعارض والد - نوجوان با واسطه‌گری ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا را تبیین می‌کند و اینکه مدل از برازش مطلوبی برخوردار بوده است. براساس یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی نقش واسطه‌ای را در رابطه بین تعارض والد - نوجوان و جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا ایفا می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: *ادراک سربار بودن، ایده‌پردازی خودکشی، تعارض والد - نوجوان، جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا.*

طی دو دهه‌ی گذشته، اهمیت بالینی و پژوهش پیرامون جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا^۱ به عنوان تخریب عمدی، مستقیم و غیرقابل قبول بافت بدن، مانند بریدگی، خراش، سوزاندن پوست، ضربه زدن به خود و ...، که بدون نیت خودکشی است (اسپوسیتو^۲ و همکاران، ۲۰۱۹) روندی افزایشی داشته (لیو^۳، ۲۰۱۷) و به یک مشکل هشداردهنده تبدیل شده است (لیم^۴ و همکاران، ۲۰۱۹) به طوری که تقریباً ۱۷٪ از نوجوانان سابقه جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا را در طول زندگی گزارش می‌کنند (اسوانل^۵ و همکاران، ۲۰۱۴) اسوانل و همکاران (۲۰۱۴) نشان داده‌اند که جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا با افزایش سن کاهش می‌یابد؛ در نوجوانان ۱۷/۲ درصد، اوایل بزرگسالی ۱۳/۴ و بزرگسالی ۵/۵ است. روند کاهش را می‌توان تا حدی با میزان بالای مرگ و میر افراد مبتلا به جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا به دلیل خودکشی، رفتارهای خطرناک مانند سوء مصرف مواد، رفتارهای جنسی پرخطر و عادات غذایی نامناسب توضیح داد (سیپریانو^۶ و همکاران، ۲۰۱۷). بر اساس نظریه سه گام خودکشی، قرار گرفتن در معرض درد مرتبط با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا افراد را به درد و ترس عادت می‌دهد و در نتیجه توانایی اعمال رفتارهای دیگر خودکشی را به دست می‌آورد (کلونسکی^۷ و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین، شناسایی و پیشگیری از این پدیده ناخوشایند روانی - اجتماعی اخیراً به عنوان یکی از اهداف اساسی مرکز درمانی و پژوهشی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است به طوری که انجمن روانپزشکی آمریکا^۸ جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا را در بخش اختلالاتی برای تحقیق بیشتر مورد توجه قرار داده است (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳).

از جمله عواملی که می‌توان آن را جزء عوامل پیش‌بینی‌کننده جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا در نوجوانان دانست، تعارض والد - نوجوان است (ویکتور^۹ و همکاران، ۲۰۱۹؛ کاسوسار و خان^{۱۰}، ۲۰۲۰) تعارض میان والدین و نوجوانان همانند تعارض در سایر عرصه‌های زندگی اساساً عبارت است از: اختلاف یا تضاد در اهداف یا مخالفت دوجانبه میان دو طرف که با ناسازگاری و ضدیت، هیجانات منفی و رفتارهای خصمانه و پرخاشگرانه مشخص می‌شود. برخلاف سایر عرصه‌های زندگی، تعارض‌های والدین با نوجوانان تقریباً غیرقابل اجتناب است (پاکارد^{۱۱}، ۲۰۱۷). افزایش تمایلات نوجوان برای دستیابی به استقلال منجر به افزایش تعارضات میان نوجوانان و والدین و منفی شدن روابط آن‌ها می‌شود که زمینه‌ساز تشویق و نگرانی در طرفین می‌شود (فاید^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۱). عدم پذیرش تعارض‌ها از سوی والدین و حل‌نشدنی بودن آن‌ها از نگاه نوجوان (راگنلی^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۱) منجر به جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا می‌شود (کاسوسار و خان^{۱۴}، ۲۰۲۰). در واقع، جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا در این شرایط در نقش روشی برای ابراز آشفتگی یا کمک‌خواهی است که باعث می‌شود اطرافیان و مراقبان نوجوان به او توجه کنند و یا توانایی‌های از تعارض و آزار را میسر می‌سازد (ناک و همکاران، ۲۰۰۸).

ولز و هیلبرون^{۱۵} (۲۰۱۲) و سوله و همکاران (۲۰۱۵) نشان داده‌اند، تعارض با والدین با ایده‌پردازی خودکشی نوجوان رابطه داشته و تعارض و مشکلات حل نشده خانوادگی از معمول‌ترین اتفاقات پراسترس گزارش شده‌ای است که قبل از اقدام به خودکشی و خودکشی‌های موفق در نوجوانان وجود داشته‌اند (ولز و هیلبرون، ۲۰۱۲؛ لاو، ۲۰۲۱). در واقع، خانواده‌ها با سبک والدگری طرد کننده و روابط ضعیف و ناکارآمد باعث می‌شوند فرزندان از استرس بیشتری رنج ببرند و احساس کنند که از نظر اجتماعی مورد حمایت نیستند و در موقعیت‌های مشکل‌زا نیز احساس تنهایی کنند (ماتیجویک و همکاران، ۲۰۱۴). وجود احساس ناامیدی و درد در نوجوان، دل‌بسته نبودن آن‌ها به خانواده و جامعه و احساس سربار بودن منجر به ایده‌پردازی خودکشی شدید می‌شود (کلونسکی و مای، ۲۰۱۵). لذا، تعارض‌ها می‌توانند برای

1 - non-suicidal self-injury
2 - Esposito
3 - Liu
4 - Lim
5 - Swannell
6 - Cipriano
7 - Klonsky
8 - American Psychiatric Association
9 - Victor
10 - Kasusar & Khan
11 - Packard
12 - Fayed
13 - Rognli
14 - Kasusar & Khan
15 - Wells & Heilbron

نوجوانان بسیار آزاردهنده باشند و آن‌ها سعی خواهند کرد برای کاهش تنش‌های ناشی از آن از راه‌های گوناگون به مقابله برخیزند (خواجه نوری و هاشمی نیا، ۱۳۹۰). جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در نقش رفتاری مقابله‌ای با هدف کاستن از تنش و هیجان‌های منفی (تعارض با والدین، سربار بودن، ایده‌پردازی خودکشی، و تعلق نداشتن به خانواده و جامعه و ...) انجام می‌شود و براساس مدل تنظیم هیجانی، مهمترین انگیزه در این رفتار تنظیم هیجان‌های ناخوشایند است (هاسکینگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۶؛ ادمونسون و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین شواهد تجربی نشان می‌دهد که تعارض نوجوانان با والدین به عنوان یکی از عوامل خطر بین‌فردی برای ادراک سربار بودن (آرانگو و همکاران، ۲۰۱۹؛ هالستید^۲ و همکاران، ۲۰۱۴) در نوجوانان در نظر گرفته می‌شود. برای مثال، بارتون-برک و هیمن (۲۰۱۲) به نقل از هالی^۳، (۲۰۱۵) نشان داده‌اند تجربه نوجوانان از تعارض با والدین به عنوان آشفتگی هیجانی توصیف می‌شود و این آشفتگی امکان جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا را در آن‌ها تشدید می‌کند. در همین راستا، پژوهش هیل و همکاران (۲۰۱۹) نشان داده‌اند نوجوانانی که با والدین خود تعارض دارند، خود را باری بر روی دوش دیگران می‌دانند (هیل و همکاران، ۲۰۱۹). به عبارت دیگر از خود بیزار می‌شدند، خود را بی‌ارزش و بی‌مصرف می‌دانند و بر این باور هستند که وجود آن‌ها در اطراف دیگران کارها را خراب می‌کند (ون‌آردن و همکاران، ۲۰۱۲).

افزون بر آن پژوهش‌ها نشان داده است که بسیاری از افراد با جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در گذشته ایده‌پردازی خودکشی (بریان و همکاران، ۲۰۱۵؛ بورکه^۴ و همکاران، ۲۰۱۸؛ جویتر، ۲۰۰۵؛ زینچوک و همکاران، ۲۰۲۰) و ادراک سربار بودن (ادی و همکاران، ۲۰۱۸؛ مارکو^۵ و همکاران، ۲۰۲۱) را تجربه کرده‌اند. در همین راستا، پژوهش بریان و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان داده است جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا تقریباً همیشه پیش از اقدام به خودکشی ظاهر می‌شود و در ۶۷ درصد موارد، نخست ایده‌پردازی خودکشی نمایان می‌شود و سپس جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا صورت می‌گیرد (بریان و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین، براساس مدل تحلیل کارکردی رفتار^۶ (ناک و پرنتاین، ۲۰۰۴) افرادی که با انگیزه دستیابی به تقویت منفی درون‌فردی، اقدام به جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا می‌کنند با احتمال بیشتری نشانه‌های افکار خودکشی، ناامیدی و سرباربودن را تجربه می‌کنند؛ درحالی‌که نوجوانانی که با انگیزه‌های رسیدن به تقویت مثبت درون‌فردی جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا انجام می‌دهند بیشتر از افسردگی رنج می‌برند و نوجوانانی که دارای سابقه قربانی شدن در گروه همسالان هستند بیشتر با انگیزه‌های اجتماعی اقدام به جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا می‌کنند (ناک، ۲۰۱۰).

در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت، براساس نظریه سه گام خودکشی (کلونسکی و می، ۲۰۱۵) درگام اول، وقتی والدین و جامعه به نظر نوجوانان توجه نمی‌کنند، آن‌ها را در مسائل خانواده و جامعه مشارکت نمی‌دهند و به جای آنان تصمیم می‌گیرند (یزدان، خسروی و چین‌آوه، ۱۴۰۰)، نوجوانان را ناگام و ناامید می‌کنند و میلشان نسبت به زندگی را کمتر می‌کنند و باعث می‌شوند آن‌ها برای خودکشی ایده‌پردازی کنند و در گام دوم، در این شرایط وابستگی‌شان نسبت به والدین و جامعه کم می‌شود و احساس می‌کنند وجودشان بار اضافی برای خانواده می‌باشد. بنابراین، وقتی نمی‌توانند کاری برای خودشان، خانواده و جامعه بکنند، ایده‌های گام اول جدید بیشتری به خود می‌گیرند و در واقع تقریباً شک آن‌ها به یقین تبدیل می‌شود و در گام سوم برای رهایی از این شرایط شروع به آسیب زدن به خود می‌کنند و بعد از اینکه ترس آن‌ها از مرگ کمتر می‌شود شروع به تلاش برای خودکشی و در نهایت اقدام به خودکشی می‌کنند (کلونسکی و می، ۲۰۱۵). بنابراین از ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی می‌توان به عنوان نقش واسطه‌ای استفاده کرد. با توجه به اینکه ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی از جمله عوامل تاثیرگذار در اقدام به خودکشی است (ون‌آردن و همکاران، ۲۰۱۲) بررسی نقش واسطه‌ای آن‌ها می‌تواند در طراحی برنامه پیشگیرانه برای تعارض والد - نوجوان و جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا کمک‌کننده باشد.

بنابراین، با توجه به آنچه پیش‌تر بیان شد می‌توان دریافت جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در نوجوانان و پیامدهای زیان‌بار و فراگیر آن یک مسئله مهم اجتماعی است و شناسایی عوامل بروز و راهکارهای مناسب برای پیشگیری از آن حائز اهمیت است. با توجه به وجود جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در مدارس و زیان‌های جدی آن برای نوجوانان ایران، توجه مسئولان جامعه، والدین، روان‌شناسان و روان‌پزشکان به آن معطوف شده است. بنابراین لازم است تعارض والد - نوجوان و نحوه اثرگذاری این متغیر بر ادراک سربار بودن و

1 - Hasking

2 - Halstead

3 - Holley

4 - Burke

5 - Marco

6- functional analysis of behavior

ایده‌پردازی خودکشی و در نهایت جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا بررسی شود. به نحوی که بتوان از این اطلاعات برای تدوین برنامه‌های پیشگیرانه از جمله آموزش نحوه رابطه مناسب والدین با نوجوانان و تغییر ادراک نوجوانان نسبت به ارزشمندی خود سود جست و با استناد به برخی جهت‌گیری‌های احتمالی نظری برای نظریه‌پردازی در حوزه جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا در ایران، حوزه‌های نوین پژوهشی را برای پژوهشگران علاقه‌مند ارائه کرد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه‌ای ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی در رابطه بین تعارض والد - نوجوان با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا انجام شد.

روش

پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی است و از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه‌آماری این پژوهش دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ به تعداد ۲۲۴۴۰۰ نفر بود. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، ۳۸۰ نفر برآورده شد. برای کنترل نرخ پاسخ‌دهی، ۴۷۱ پرسشنامه به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای در بین دانش‌آموزان توزیع شد که با حذف ۵۱ پرسشنامه مخدوش، ۴۲۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای انتخاب تصادفی شرکت‌کنندگان ابتدا شهر تهران به پنج ناحیه شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز تقسیم شد و در مرحله بعد، با استفاده از قرعه‌کشی از هر ناحیه ۲ منطقه انتخاب شد، از ناحیه شمال منطقه ۱ و ۲، جنوب منطقه ۱۷ و ۱۸، شرق منطقه ۴ و ۸، غرب منطقه ۵ و ۹ و مرکز منطقه ۶ و ۱۰ انتخاب شدند. سپس براساس جدول تصادفی از هر منطقه ۷ مدرسه دخترانه و ۷ مدرسه پسرانه انتخاب شد. پس از آن با مراجعه به مشاور و مدیر مدارس و توضیح پژوهش، افرادی که جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا داشتند معرفی شدند که هر مدرسه بین ۳ الی ۴ نفر (از مقاطع دهم تا دوازدهم) بودند و پرسشنامه‌ها بین آن‌ها توزیع شد. ملاک‌های ورود به نمونه شامل داشتن پرونده جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا نزد مشاور مدرسه، تحصیل در مقطع متوسطه دوم و رضایت آگاهانه بود. ملاک‌های خروج انصراف دانشجویان از ادامه همکاری و پرسشنامه مخدوش بود. علاوه بر راهنمایی‌های لازم که در دستورالعمل پرسشنامه‌ها ارائه شد، به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات فقط در راستای اهداف پژوهش بدون ذکر مشخصات هویتی مورد استفاده واقع خواهد شد. در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مسیر و نرم‌افزارهای آماری SPSS و Amos نسخه ۲۴ استفاده شد.

ابزار سنجش

مقیاس ایده‌پردازی خودکشی بک (BSSI):^۱ این مقیاس توسط بک و همکاران (۱۹۷۹) برای سنجش میزان مستعد بودن فرد به خودکشی ساخته شد. این مقیاس، برآوردی عددی از شدت ایده‌پردازی و امیال خودکشی‌گرایانه فراهم می‌کند و مشتمل بر ۱۹ ماده است که روی یک مقیاس سه درجه‌ای از کمترین شدت (۰) تا بیشترین شدت (۲) درجه‌بندی می‌شود. نمره کل فرد براساس جمع نمره‌ها محاسبه می‌شود که از صفر تا ۳۸ است. نمره بالاتر نشان‌دهنده افکار خودکشی بیشتر است. پایایی و روایی این مقیاس در پژوهش‌های مختلف تایید شده است. در پژوهش داچر و دالاری (۲۰۰۴) آلفای کرونباخ این مقیاس بر روی ۱۰۸ بیمار افسرده در فرانسه ۰/۸۹ و روایی همزمان آن با مقیاس ارزیابی خطر خودکشی (چارلز و همکاران، ۱۹۹۰) ۰/۶۹ و مقیاس درجه‌بندی افسردگی (هامیلتون، ۱۹۷۶) ۰/۶ گزارش شد (داچر و دالری، ۲۰۰۴). در ایران نیز انیسی و همکاران (۱۳۸۵) پایایی مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۵ و روایی همزمان آن را با مقیاس افکار خودکشی پرسشنامه سلامت عمومی ۰/۷۶ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر پایایی مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ بدست آمد.

سیاهه آسیب به خود (SHI):^۲ این سیاهه توسط سانسون و همکاران در سال ۱۹۹۸ ساخته شده و ۲۲ ماده دارد که رفتارهای خودآسیب‌رسانی مستقیم و غیرمستقیم را بررسی می‌کند. این ابزار رفتارهای خودآسیب‌رسانی مستقیم (یعنی بریدن، سوزاندن، اقدام به خودکشی و ...) که توأم با آسیب فوری به بافت هستند به همراه رفتارهای خودآسیب‌رسانی غیرمستقیم (یعنی سوءمصرف داروهای غیرقانونی، رانندگی پرخطر، رفتارهای جنسی پرخطر و ...) را می‌سنجد (سانسون و همکاران، ۱۹۹۸). نمره‌گذاری آن به صورت پلی (۱) و خیر (۰) است. برای به دست آوردن نمره کلی این سیاهه فقط پاسخ‌های تایید شده یعنی تعداد پاسخ‌های بله با هم جمع شود و پاسخ‌های

1 - Beck Scale for Suicide Ideation (BSSI)

2 - Self-Harm Inventory (SHI)

خیر در نمره‌گذاری نقشی ندارد. بیشترین نمره در این سیاهه ۲۲ است. نمره بالا نشان‌دهنده شدت و فراوانی بیشتر رفتارهای خودآسیب‌رسان است. مطالعه روایی این سیاهه با نقطه برش ۵ یا بیشتر، به طبقه‌بندی دقیق ۰/۸۴ از پاسخ‌دهندگان که براساس مصاحبه تشخیصی اختلال مرزی، واجد این اختلال به شمار می‌رفتند، در طبقه اختلال شخصیت مرزی شد (سانسون و ویدرمن، ۱۹۹۸). روایی همگرایی سیاهه با پرسشنامه دارو، الکل و جرح خویشتن ۰/۶۶ (ویلیکینسون^۱ و همکاران، ۲۰۱۸) و پرسشنامه تشخیصی شخصیت (هیلر، ۱۹۹۴) ۰/۸۳ به دست آمد (سانسون و ویدرمن، ۲۰۱۵). در پژوهش استاین و همکاران (۲۰۱۷) پایایی سیاهه با شاخص کودر-ریچاردسون ۲۰ برای کل ماده‌ها ۰/۷۹ به دست آمده است. در پژوهش حاضر ضریب نسبی روایی محتوا ۰/۷۰، روایی محتوایی برابر با ۰/۸۵ و پایایی این سیاهه با شاخص کودر ریچاردسون ۲۰ برای کل ماده‌ها ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسشنامه نیازهای بین فردی (INQ): این پرسشنامه توسط ون‌آردن و همکاران (۲۰۱۲) ساخته شده است و یک ابزار ۱۵ ماده‌ای از تعلق‌پذیری خنثی (۹ ماده، میانگین نمرات از ۹ تا ۶۳) و ادراک سربار بودن (۶ ماده، میانگین نمرات از ۶ تا ۴۲) است. این پرسشنامه دارای چندین نسخه (۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۵ ماده‌ای) است که طبق گزارش (هیل و همکاران، ۲۰۱۵) نسخه‌های ۱۰ و ۱۵ ماده‌ای بهترین میزان روایی درونی و تناسب با مدل تحلیل عاملی اکتشافی را دارند. نسخه ۱۵ ماده‌ای به صورت خودگزارش‌دهی از شرکت‌کنندگان می‌خواهد که بهترین گزینه ممکن را متناسب با باورهایشان در مورد حد ارتباط با دیگران (تعلق‌پذیری) و حدی که فکر می‌کنند که سربار دیگران هستند (ادراک سربار بودن) را در یک مقیاس ۷ لیکرتی کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً درست (۷) مشخص می‌کنند (هیل و همکاران، ۲۰۱۵). نمره بالاتر در این مقیاس به معنای ادراک سربار بودن و تعلق‌پذیری خنثی، بیشتر است (هیل و همکاران، ۲۰۱۵). در پژوهش هیل و همکاران (۲۰۱۵) آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۹۰ به دست آمده است. در پژوهش تنو و همکاران (۲۰۱۸) روایی همگرا با روش میانگین‌وارینانس استخراج شده در سازه‌های ادراک سربار بودن (۰/۷۷) و تعلق‌پذیری خنثی (۰/۴۹) بود. در پژوهش میتچل و همکاران (۲۰۲۰)، آلفای کرونباخ تعلق‌پذیری خنثی، ۰/۹۱ و ادراک سربار بودن، ۰/۹۴ گزارش شده است. در پژوهش بیرجندی و همکاران (۱۴۰۰) آلفای کرونباخ تعلق‌پذیری خنثی، ۰/۸۴ و ادراک سربار بودن، ۰/۹۱ گزارش شده است و روایی محتوا با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن ۰/۹۰ به دست آمد (بیرجندی و همکاران، ۱۴۰۰). در پژوهش حاضر ضریب نسبی روایی محتوا ۰/۷۰ و روایی محتوایی برابر با ۰/۹۰ بود. پایایی با روش آلفای کرونباخ برای مولفه‌های نیازهای بین‌فردی شامل ادراک سربار بودن ۰/۹۱، تعلق‌پذیری خنثی ۰/۸۹ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۸ بدست آمد.

پرسشنامه رفتار متعارض (CBQ): پرسشنامه رفتار متعارض نوجوان با والدین راابین و فاستر (۱۹۸۹) ساخته‌اند. نسخه اصلی این ابزار که دارای ۷۵ ماده بود، ادراک نوجوان از میزان تعارض و رابطه منفی با والدینش را مورد ارزیابی قرار داده است. نسخه مورد استفاده در این تحقیق نسخه کوتاه این پرسشنامه است که شامل ۲۰ عبارت است و میزان تعارض نوجوان با والدینش را می‌سنجد. این پرسشنامه در دو فرم جداگانه، یکی ویژه مادر و دیگری ویژه پدر است. در نمره‌دهی این آزمون به گزینه صحیح نمره ۱ و غلط نمره صفر تعلق می‌گیرد. سوالات ۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۴، ۱۹ و ۲۰ به صورت معکوس (صحیح = ۰، غلط = ۱) نمره‌گذاری می‌شوند. نمره کل فرد براساس جمع نمره‌ها محاسبه می‌شود که از صفر تا بیست است و نمره بالاتر در این پرسشنامه، نشانگر تعارض بیشتر نوجوان با پدر و مادرش است. در شکل بلند این پرسشنامه همسانی درونی با آلفای کرونباخ برای نوجوان و والدین ۰/۹۴ و ۰/۹۵ گزارش شد. پرسشنامه فرم کوتاه یک نمره به‌دست می‌دهد که همبستگی ۰/۹۶ را با نمرات پرسشنامه فرم بلند دارد (راابین و فاستر، ۱۹۸۹). در پژوهش حداد و شچتمن^۴ (۲۰۱۹) همسانی درونی با آلفای کرونباخ برای تعارض نوجوان با پدر ۰/۸۷ و با مادر ۰/۸۵ گزارش شد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای کل سوالات تعارض با مادر ۰/۹۱ و تعارض با پدر ۰/۸۹ بود. در پژوهش خسروجردی و همکاران (۱۳۹۸) آلفای کرونباخ تعارض نوجوان با پدر ۰/۹۴ و با مادر ۰/۹۳ بود. در پژوهش حاضر پایایی با روش آلفای کرونباخ برای مولفه‌های رفتار متعارض شامل تعارض با پدر ۰/۹۱، تعارض با مادر ۰/۸۹ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۳ بدست آمد.

1 - Wilkinson,

2 - Interpersonal Needs Questionnaire (INQ)

3 - Conflict Behavior Questionnaire (CBQ)

4 - Haddad & Shechtman

یافته‌ها

این پژوهش با مشارکت ۴۲۰ نفر (۱۸۸ پسر و ۲۳۲ دختر) انجام شد. از لحاظ رشته تحصیلی، ۱۵۳ نفر ریاضی، ۱۰۱ نفر تجربی و ۱۶۶ نفر انسانی، چندمین فرزند خانواده، ۱۲۱ نفر اول، ۹۹ نفر دوم، ۱۴ نفر سوم، ۲۷ نفر چهارم و ۱۵۹ نفر فرزند آخر، میزان تحصیلات پدر و مادر به ترتیب، زیردیپلم ۱۹۷ و ۷۴ نفر، دیپلم ۱۲۲ و ۲۱۲ نفر، کارشناسی ۹ و ۳۸ نفر، کارشناسی ارشد ۸۶ و ۹۱ نفر و دکتری ۶ و ۵ نفر بودند. هیچ یک از متغیرهای پژوهش انحراف جدی از توزیع بهنجار ندارند.

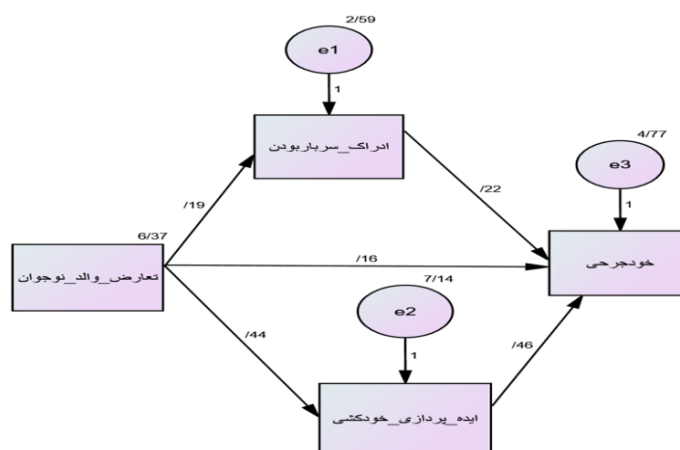
جدول ۱. خلاصه یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
۱. تعارض والد - نوجوان					۱۶/۸۲	۲/۵۲	-۰/۹۲	-۲/۹۹
۲. ادراک سربار بودن	**۰/۲۸				۵/۱۸	۱/۶۷	-۰/۵۱	-۱/۲۷
۳. ایده‌پردازی خودکشی	**۰/۳۸	*۰/۱۲			۸/۷۲	۲/۸۹	-۰/۳۲	-۰/۵۹
۴. جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا	**۰/۳۷	**۰/۲۳	**۰/۵۶		۸/۷۳	۲/۷۳	-۱/۰۳	-۰/۰۳

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

طبق داده‌های به دست آمده از پژوهش حاضر، بین متغیر تعارض والد -نوجوان با ادراک سربار بودن (۰/۲۸)، ایده‌پردازی خودکشی (۰/۳۸) و جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا (۰/۳۷) در سطح ۰/۰۱ همبستگی مثبت معنادار مشاهده شد. همچنین بین متغیر ایده‌پردازی خودکشی (۰/۵۶) و ادراک سربار بودن (۰/۲۳) با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا در سطح ۰/۰۱ همبستگی مثبت معنادار وجود داشت. به منظور بررسی نقش واسطه‌ای ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی در رابطه بین تعارض والد - نوجوان با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا از روش تحلیل مسیر استفاده شد.

در گام اول، مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از بررسی کجی و کشیدگی داده‌ها بررسی شد که براساس اغلب منابع کجی توزیع نمره‌ها در دامنه (۲ و -۲) و کشیدگی در دامنه (۳ و -۳) را می‌توان بهنجار فرض کرد. توزیع داده‌های هیچ یک از متغیرهای پژوهش از این دامنه تخطی نکرده است. بنابراین می‌توان توزیع داده‌ها را بهنجار فرض کرد (هویت و کرامر، ۲۰۰۵). در گام دوم مفروضه عدم وجود هم خطی بین متغیرهای پیش‌بین بررسی شد، برای بررسی این مفروضه از روش عامل تورم واریانس استفاده شد که مقدار آن برای هر یک از متغیرهای پیش‌بین، بین ۱/۲۶ و ۱/۱۷ به دست آمد و میزان تحمل این داده‌ها بین ۰/۸۰ و ۰/۹۲ به دست آمد که این داده‌ها نشان از نبود رابطه هم خطی بین متغیرهای پیش‌بین است.



شکل ۱. مدل تایید شده نهایی

در شکل ۱ ضرایب مسیر که همان ضرایب بتا (B) در رگرسیون هستند ارائه شده است؛ بر طبق ضرایب مسیر بالاترین میزان اثرات مستقیم به ترتیب مربوط به اثر ایده‌پردازی خودکشی بر روی جرح خویشتن غیرخودکشی گرا (۰/۴۶)، تعارض والد - نوجوان بر روی ایده‌پردازی خودکشی (۰/۴۴)، ادراک سربار بودن بر روی جرح خویشتن غیرخودکشی گرا (۰/۲۲)، تعارض والد - نوجوان بر روی ادراک سربار بودن (۰/۱۹) و جرح خویشتن غیرخودکشی گرا (۰/۱۶) و در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد.

جدول ۲ ضرایب اثرات مستقیم

P	ضرایب غیراستاندارد	مقدار تی	ضرایب استاندارد اثرات مستقیم		مسیرهای مستقیم
			مقدار تی	ضرایب	
۰/۰۰۱	۰/۴۴	۸/۴۸	۰/۳۸	ایده‌پردازی خودکشی	تعارض والد - نوجوان
۰/۰۰۱	۰/۱۹	۶/۰۲	۰/۲۸	ادراک سربار بودن	تعارض والد - نوجوان
۰/۰۰۱	۰/۱۶	۳/۳۶	۰/۱۵	جرح خویشتن غیرخودکشی گرا	تعارض والد - نوجوان
۰/۰۰۱	۰/۴۶	۱۱/۵۲	۰/۴۹	جرح خویشتن غیرخودکشی گرا	ایده‌پردازی خودکشی
۰/۰۰۱	۰/۲۲	۳/۳۱	۰/۱۴	جرح خویشتن غیرخودکشی گرا	ادراک سربار بودن

جدول اثرات نشان می‌دهد که اثر مستقیم تعارض والد - نوجوان با مقادیر (۰/۳۸، $t=۸/۴۸$ و $P<۰/۰۰۱$) بر ایده‌پردازی خودکشی مثبت و معنی‌دار می‌باشد، همچنین اثر مستقیم تعارض والد - نوجوان بر ادراک سربار بودن با مقادیر (۰/۲۸، $t=۶/۰۲$ و $P<۰/۰۰۱$) مثبت و معنی‌دار می‌باشد، تعارض والد - نوجوان به صورت مثبت و معنی‌داری بر جرح خویشتن غیرخودکشی گرا اثر مثبت و معنی‌داری دارد (۰/۱۵، $t=۳/۳۶$ و $P<۰/۰۰۱$). ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی به ترتیب به صورت مثبت و معنی‌دار بر جرح خویشتن غیرخودکشی گرا اثر مثبت و معنی‌داری دارند (۰/۱۴، $t=۳/۳۱$ و $P<۰/۰۰۱$) و (۰/۴۹، $t=۱۱/۵۲$ و $P<۰/۰۰۱$).

جدول ۳. نتایج بوت استرپ برای بررسی اثرات غیرمستقیم تعارض والد-نوجوان بر جرح خویشتن غیرخودکشی گرا از طریق متغیر واسطه‌ای ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی

P	ضرایب استاندارد غیرمستقیم	مسیر غیرمستقیم	
		تعارض والد-نوجوان	جرح خویشتن غیرخودکشی گرا
۰/۰۵	۰/۲۳		

نتایج بررسی اثرات غیرمستقیم نیز نشان می‌دهد که تعارض والد - نوجوان با مقادیر (۰/۲۳، $P<۰/۰۵$) به صورت غیرمستقیم بر جرح خویشتن غیرخودکشی گرا تاثیر دارد، لازم به ذکر است جهت بررسی معنی‌داری اثرات غیرمستقیم از بوت استرپ استفاده شد. این یافته نشان می‌دهد که ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی در روابط بین تعارض والد - نوجوان و جرح خویشتن غیرخودکشی گرا نقش واسطه‌ای دارد.

در جدول ۳ مهم‌ترین شاخص‌های برازش گزارش شده است. همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد تمام شاخص‌های برازش از حد پذیرش مطلوبی برخوردار هستند.

جدول ۳. شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری

NFI	CFI	AGFI	GFI	RMSEA	X2/df	شاخص‌های برازندگی
۱	۱	۱	۱	۰/۰۰۰	۰/۰۵۸	مدل
>۰.۹۰	>۰.۹۵	>۰.۸۰	>۰.۹۵	<۰.۰۸	۳	دامنه پذیرش

با توجه به جدول ۳، برای مدل آزمون شده شاخص نیکویی برازش (GFI)، (۱) می‌باشد که بیشتر از (۰/۹۰) می‌باشد. شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)، (۱) می‌باشد که بیشتر از (۰/۸۵) می‌باشد. شاخص برازش تطبیقی (CFI)، (۱) می‌باشد که بیشتر از (۰/۹۰)

نقش واسطه‌ای ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی در رابطه بین تعارض والد-نوجوان با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا
The Mediating Role of Perceived Burdensomeness and Suicidal Ideation in the Relationship Between Parent- ...

می‌باشد. شاخص برازش هنجار شده (NFI)، (۱) می‌باشد که بیشتر از (۰/۹۰) می‌باشد. مجذور خی بر درجه آزادی (X²/df)، (۰/۵۸) می‌باشد که کمتر از (۳) است و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA) نیز (۰/۰۰۰) می‌باشد که کمتر از (۰/۰۸) است. با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت که مدل آزمون شده پژوهش از برازش خوبی برخوردار است. لازم به ذکر است جهت بررسی شاخص‌های برازش از معیارهای کلاین (۲۰۱۱) استفاده شد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش واسطه‌ای ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی در رابطه بین تعارض والد - نوجوان با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا بود. نتایج پژوهش نشان داد که تعارض والد - نوجوان با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا رابطه مستقیم معنادار دارد. این یافته با یافته کاسوسار و خان (۲۰۲۰) و ویکتور و همکاران (۲۰۱۹) همسو است. در تبیین این یافته با متوسل شدن به فرآیندهای بین‌فردی در نظریه روان‌پوشی می‌توان گفت جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا روشی برای تایید مجدد مرزهای روان‌شناختی بین خود و دیگران یا راهی برای برگرداندن هیجان‌های خصمانه نسبت به دیگران به خود است. در واقع نوجوانان در جایی که هیجان‌ها غیرقابل قبول یا غیرقابل بیان به نظر برسند از جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا استفاده می‌کنند و مدل‌های شناختی-هیجانی به طور مشابه بیان می‌کنند جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا مشکل‌های بین‌فردی و عاطفی را تنظیم می‌کند (هاسکینگ و همکاران، ۲۰۱۶). در همین راستا پژوهش‌ها در مورد عوامل خطر برای وقوع جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا از ارتباط فرآیندهای بین‌فردی از جمله آسیب بین‌فردی و تعارض والد-نوجوان پشتیبانی می‌کنند (کاسوسار و خان، ۲۰۲۰؛ ویکتور و همکاران، ۲۰۱۹) و همچنین پژوهش‌های کمی دلایل یا کارکردهایی که افراد برای جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا خود ارائه می‌دهند، را شناسایی کرده‌اند که عبارتند از: تنظیم هیجان‌ها، حواس‌پرتی، برانگیختگی فیزیولوژیکی، خود تنبیهی، تعارض، جلب حمایت (ادمونسون و همکاران، ۲۰۱۶). در واقع می‌توان گفت وقتی نوجوانان با والدین خود بحث می‌کنند و احساس می‌کنند این بحث‌ها راه به جایی نمی‌برد و در واقع غیرقابل حل هستند، دچار ناراحتی، خشم و... می‌شوند و چون نمی‌خواهند به والدین که در این شرایط هم منبع عشق و هم منبع تنفر هستند آسیب برسانند، راه مقابله با این شرایط را جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا می‌دانند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد، تعارض والد-نوجوان با ادراک سربار بودن رابطه مثبت معنادار دارد. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های قبلی که تضادهای خانوادگی و مشکل‌های ارتباطی با اعضای خانواده را به عنوان عوامل خطر برای خودکشی در نوجوانی شناسایی کرده است، همسویی دارد (آرانگو و همکاران، ۲۰۱۹؛ هالستید و همکاران، ۲۰۱۴). به نظر می‌رسد نوجوانان مشاخره و اختلاف‌های رابطه‌ای را به عنوان منبع سربار بودن دیگران می‌دانند (هیل و همکاران، ۲۰۱۹) و فراوانی و شدت تعارض‌های والدین-کودک در اواسط نوجوانی به اوج خود می‌رسد و اغلب با دستیابی نوجوانان به استقلال عمل، تعارض‌ها افزایش می‌یابد (سمتانا و همکاران، ۲۰۰۶). در واقع می‌توان گفت وقتی نوجوانان نمی‌توانند با والدین خود روابط مناسب داشته باشند، احساس می‌کنند والدین آن‌ها را درک نمی‌کنند و نمی‌توانند برای خانواده خود سودمند باشند در نتیجه از خود بیزار می‌شوند و احساس می‌کنند سربار خانواده خود هستند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد، تعارض والد-نوجوان با ایده‌پردازی خودکشی رابطه مثبت معنادار دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های لائو (۲۰۲۱) ولز و هیلبورن (۲۰۱۲) همسویی دارد. در تبیین این یافته با متوسل شدن به نظریه به دام افتادگی ویلیامز (۱۹۹۷) به نقل از راجاپا و همکاران، (۲۰۱۲) می‌توان گفت رفتار خودکشی‌گرا پاسخی به موقعیت‌های فشارزا است که احساس شکست را برمی‌انگیزد و اجتناب‌ناپذیر در نظر گرفته می‌شود عوامل روان‌شناختی مانند اعتقاد به اینکه فرد نمی‌تواند به طور موثر مشکلات را حل کند به افزایش درماندگی و ناامیدی منجر می‌شود. این احساسات ناامیدانه ممکن است این قضاوت را در افراد برانگیزد که این موقعیت‌ها اجتناب‌ناپذیرند و به ایده‌پردازی برای خودکشی و رفتارهای خودکشی‌گرا منجر شوند (ویلیامز، ۱۹۹۷) به نقل از راجاپا و همکاران، (۲۰۱۲). در حمایت از پژوهش‌های دیگر می‌توان گفت، تعارض با والدین به طور مستقیم با ایده‌پردازی خودکشی نوجوان رابطه داشته و تعارض و مشکلات حل نشده خانوادگی از معمول‌ترین اتفاقات پراسترس گزارش شده‌ای است که قبل از اقدام به خودکشی و خودکشی‌های موفق در نوجوانان وجود داشته‌اند (ولز و هیلبورن، ۲۰۱۲). در واقع می‌توان گفت وقتی نوجوانان با والدین خود درگیر می‌شوند، احساس می‌کنند دنیا روی سرشان خراب شده و از این بابت ناراحت می‌شوند که چرا نمی‌توانند بدون درگیری با والدین خود حرف بزنند در نتیجه برای رهایی از این شرایط سخت و پرفشار برای خودکشی ایده‌پردازی می‌کنند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد، ایده‌پردازی خودکشی با جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا رابطه مثبت معنادار وجود دارد. این یافته با یافته‌های بریان و همکاران (۲۰۱۵)، بورکه و همکاران (۲۰۱۸)، جویون (۲۰۰۵)، زینچوک و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت براساس مدل تحلیل کارکردی رفتار (ناک و پرنتساین، ۲۰۰۴) جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا نوعی رفتار آموخته شده است که در اثر تقویت مثبت درون‌فردی و بین‌فردی، تقویت منفی درونی‌فردی و بین‌فردی تداوم می‌یابد. برای مثال فردی که با هدف رهایی از هیجان‌های ناخوشایند و حالت‌های آشفتگی جرح خویشتن می‌کند، ممکن است پس از مدتی این عمل را راهی برای حذف محرک‌های ناخوشایند به کار بگیرد؛ در اینجا عامل تداوم بخش رفتار خودجرحی از طریق تقویت منفی درونی است (ناک و پرنتساین، ۲۰۰۴). فراوانی و زخم‌های جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا و درگیری در جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا برای مدیریت ایده‌پردازی خودکشی (میل به خودکشی) و جلوگیری از شکل‌گیری اقدام به خودکشی است (بورکه، ۲۰۱۸). در واقع می‌توان گفت نوجوانان هر موقع این ایده که مردن من بهتر از زنده ماندن من هست به سراغشان می‌آید، برای حذف این ایده ناخوشایند شروع به جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا می‌کنند و چون این ایده مدیریت می‌شود یاد می‌گیرند هر موقع این میل در آنان به وجود آمد از این روش استفاده کنند. یافته دیگر پژوهش نشان داد، ادراک سربار بودن با جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا رابطه مستقیم معنادار دارد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های ادی و همکاران (۲۰۱۸) و مارکو و همکاران (۲۰۲۱) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت دلیلی که افراد جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا را بر سایر رفتارهای مقابله‌ای انتخاب می‌کنند این است که دیدگاه‌های بسیار منفی نسبت به خود دارند و معتقدند که مستحق یا شایسته تحقیر خود هستند (به عنوان مثال، فرضیه خودتنبیهی). به طوری که پژوهش‌ها به طور مداوم نشان داده است که افرادی که در جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا شرکت می‌کنند سطوح پایین‌تری از عزت نفس و ارزش خود (فورستر و همکاران، ۲۰۱۷) و سطوح بالاتری از انتقاد از خود را نسبت به افرادی که سابقه جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا ندارند، گزارش می‌کنند (آمرمن و براون، ۲۰۱۸). بیزاری از خود به عنوان یکی از اشکال انتقاد از خود در نظر گرفته شده است که با جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا مرتبط است، زیرا تصور می‌شود که شامل نفرت از خود و همچنین سرزنش خود است (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۵). در واقع می‌توان گفت وقتی نوجوانان از خودشان متنفر می‌شوند و خود را فرد مفیدی برای خانواده نمی‌بینند دچار آشفتگی هیجانی می‌شوند. در نتیجه، برای رهایی از این شرایط شروع به جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا می‌کنند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی نقش واسطه‌ای معناداری را در مدل پژوهش نشان دادند. نتایج این پژوهش با یافته‌های کلونسکی و مای (۲۰۱۵) همسویی دارد. در تبیین این یافته با متوسل شدن به نظریه سه گام ایده‌پردازی خودکشی می‌توان گفت ترکیبی از درد (معمولاً روان‌شناختی) و ناامیدی منجر به ایده‌پردازی خودکشی می‌شود. یعنی وقتی زندگی ناسازگار، ناپسند و دردناک می‌شود افراد به‌نوبه خود میل به اجتناب از زندگی را آغاز می‌کنند (گام اول)، وقتی درد فراتر از وابستگی بین فردی و درون‌فردی می‌رود (قطع پیوند)، ایده‌پردازی خودکشی از حالت عادی و غیرفعال به افکار قوی و فعال تبدیل می‌شود (گام دوم) و ایده‌های خودکشی فعال و قوی به اقداماتی می‌رسند که ظرفیت مکتسب خودکشی (آستانه بالا برای درد یا ترس کم از مرگ) نام دارد (گام سوم) و در نهایت، دسترسی به ابزارهای خودکشی (مثل جستجوی اینترنتی در مورد مرگ و داروهای بدون نسخه و ...) می‌توانند این ظرفیت را افزایش دهند (کلونسکی و مای، ۲۰۱۵). در واقع می‌توان گفت در گام اول نوجوانان با والدین دچار تعارض می‌شوند و وقتی احساس می‌کنند که نمی‌توانند این تعارض رو حل کنند، دچار درد روان‌شناختی (ایده‌پردازی خودکشی غیرفعال) می‌شوند، در گام دوم احساس می‌کنند که باری روی دوش دیگران هستند و ایده خودکشی قوی و فعال شود و در گام سوم برای رهایی از این شرایط شروع به آسیب زدن به خود می‌کنند و بعد از اینکه ترس آن‌ها از مرگ کمتر می‌شود شروع به تلاش برای خودکشی و در نهایت اقدام به خودکشی می‌کنند.

به طور کلی و در مجموع مدل پژوهش توانست ۳۶ درصد از واریانس جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا را تبیین کند. به عبارت دیگر، متغیرهای تعارض والد-نوجوان، ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی نقش مهمی در جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در نوجوانان ایفا می‌کنند؛ بنابراین با توجه به افزایش شیوع جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا، هدف قرار دادن این سه مولفه به وسیله درمان‌ها و کمک‌های روان‌شناختی، می‌تواند در کاهش جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا در نوجوانان موثر باشد. از این رو می‌توان با آگاهی‌سازی و به‌کارگیری تدابیری جهت توانمندسازی نوجوانان و والدین در این زمینه‌ها، کیفیت زندگی آن‌ها را بهبود بخشید.

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود؛ نخست اینکه پژوهش حاضر روی نوجوانان دارای جرح خویشتن غیرخودکشی‌گرا انجام شده و باید در تعمیم نتایج جانب احتیاط را در نظر گرفت. دیگر اینکه به لحاظ اینکه نوع پژوهش انجام شده از نوع همبستگی است، از نتایج آن

نقش واسطه‌ای ادراک سربار بودن و ایده‌پردازی خودکشی در رابطه بین تعارض والد-نوجوان با جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا
The Mediating Role of Perceived Burdensomeness and Suicidal Ideation in the Relationship Between Parent- ...

نمی‌توان استنباط علی به عمل آورد. همچنین شیوه اساس جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش مبتنی بر پرسشنامه بود، لذا پیشنهاد می‌شود اطلاعات هر متغیر با استفاده از چند روش مختلف جمع‌آوری شود تا نتایج به‌دست آمده با اطمینان بیشتری به کار گرفته شوند. با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان پیشنهاد کرد در راستای کاهش جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا، کارگاه‌های آموزشی در مورد مشکل‌های دوره‌ی نوجوانی (زیستی - روانی - اجتماعی) و پیامدهای ناشی از عدم درک این مشکل‌ها برای والدین ارائه شود و مشاوران و روانشناسان مدارس و جامعه به والدین پیشنهاد کنند که به سلامت، رفاه و روابط همدلانه با نوجوانان توجه کنند و فعالیت‌های آنان را ارزش نهند و تشویق نمایند، از استقلال عمل آن‌ها حمایت کنند، به تصمیم‌های مشترک و موجودیت نوجوانان توجه نموده تا ضمن کاهش تعارض در افراد، نوجوانان هم خود را فرد مفیدی برای والدین بدانند و هم ایده‌پردازی خودکشی در آن‌ها کاهش یابد و در نتیجه عملکرد بهتری از خود نشان دهند. همچنین اتخاذ تدابیری برای کاهش ادراک سربار بودن نوجوانان، به عنوان برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت و استفاده از مفاهیم و شاخص‌های ذکر شده برای ادراک سربار بودن، می‌تواند نقش موثری در کاهش جرح خویشتن غیر خودکشی‌گرا داشته باشد. از نظر پژوهشی می‌توان گفت که در پژوهش‌های آتی این مدل بر روی نوجوانان دارای خودکشی ناموفق بررسی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود نقش نیازهای بنیادین روان‌شناختی و معنویت به عنوان متغیر تعدیل‌کننده در رابطه بین متغیرها مورد بررسی واقع شود.

منابع

- انیسی، ج.، فتحی‌آشتیانی، ع.، سلطانی‌نژاد، ع.، و امیری، م. (۱۳۸۵). بررسی شیوع افکار خودکشی و عوامل مرتبط با آن در میان سربازان. *مجله طب نظامی*، ۱۱۸ (۱۲۸): ۱۱۳-۱۱۸. <https://www.sid.ir/paper/62291/fa>
- علیزاده‌بیرجندی، زهرا، جان‌بزرگی، مسعود، رسول زاده طباطبایی، سید کاظم، و فتحی‌آشتیانی، علی. (۱۴۰۰). بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی فرم فارسی مقیاس تمایل به خودکشی بر اساس نظریه بین فردی خودکشی (IPTS) در دانشجویان ایرانی. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۱۱۱ (۱)، ۱۱۴-۱۰۱. [DOI:10.22067/tpccp.2021.36567.0](https://doi.org/10.22067/tpccp.2021.36567.0)
- خسرووردی، ز.، پورشهریار، ح.، حیدری، م. (۱۳۹۸). پیش‌بینی توانمندی منش نوجوانان و دل‌بستگی به والدین و همسالان براساس تعارض با پدر و مادر. *خانواده‌پژوهی*، ۱۱۵ (۵۹): ۳۴۷-۳۶۰. <https://www.sid.ir/paper/122486/fa>
- خواجانه‌نوری، بیژن، و هاشمی‌نیا، فاطمه. (۱۳۹۰). رابطه تعارضات والدینی با بزه‌کاری. *نشریه زن و جامعه*، ۲ (۲)، ۳۸-۱۹. <https://www.sid.ir/paper/169257/fa>
- شریعتی، س.، و امامی پور، س. (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای تعارض والدین - نوجوان در رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و ابعاد ابراز خشم. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۳ (۲۵): ۲۲-۸. <http://qjfr.ir/article-1-59-fa.html>
- طاهبازحسین‌زاده، س.، قربانی، ن.، و نبوی، م. (۱۳۹۰). مقایسه گرایش شخصیتی خودتخریبی و خودشناسی انسجامی در بیماران مبتلا به مالتیپل اسکلروز و افراد سالم. *فصلنامه روانشناسی معاصر*، ۶ (۲): ۴-۳۴. https://bjcp.ir/browse.php?a_id=40&sid=1&slc_lang=fa
- یزدان، کیوان، خسروی، صدرالله، و چین‌آوه، محبوبه. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های مقابله با استرس در رابطه والد - فرزند و تنظیم هیجانی با رفتارهای خودجرحی. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۴ (۶)، ۳۵۰۲-۳۴۸۴. [10.22038/MJMS.2021.61424.3595](https://doi.org/10.22038/MJMS.2021.61424.3595)
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-5®)*. Washington, DC: American Psychiatric Pub.
- Ammerman, B.A., and Brown, S. (2018). The mediating role of self-criticism in the relationship between parental expressed emotion and NSSI. *Curr Psychol*, 37(1), 325-333. <https://doi.org/10.1007/s12144-016-9516-1>.
- Arango, A., Cole-Lewis, Y., Lindsay, R., Yeguez, C. E., Clark, M., & King, C. (2019). The protective role of connectedness on depression and suicidal ideation among bully victimized youth. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 48(5), 728-739. <https://doi.org/10.1080/15374416.2018.1443456>.
- Beck, A. T., Kovacs, M., & Weissman, A. (1979). Assessment of suicidal intention: The Scale for Suicide Ideation. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 47(2), 343-352. <https://doi.org/10.1037/0022-006X.47.2.343>.
- Bryan, C. J., Bryan, A. O., May, A. M., Klonsky, E. D. (2015). Trajectories of Suicide Ideation, Non Suicidal Self-Injury, and Suicide Attempts in A Non Clinical Sample of Military Personnel and Veterans. *Suicide Life Threat Behav*, 45(3), 315-25. <https://doi.org/10.1111/sltb.12127>.
- Buelens, T., Luyckx, K., Kiekens, G., Gandhi, A., Muehlenkamp, J.J, and Claes, L. (2020). Investigating the DSM-5 criteria for non-suicidal self-injury disorder in a community sample of adolescents. *J Affect Disord.*, 260, 314-22. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2019.09.009>.
- Burke, T. A., Jacobucci, R., Ammerman, B. A., Piccirillo, M., McCloskey, M. S., Heimberg, R. G., & Alloy, L. B. (2018). Identifying The Relative Importance of Non-Suicidal Self-Injury Features in Classifying Suicidal Ideation, Plans, and Behavior Using Exploratory Data Mining. *Psychiatry research*, 262, 175-183. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2018.01.045>.

- Cerniglia, L., Cimino, S., Tafà, M., Marzilli, E., Ballarotto, G., & Bracaglia, F. (2017). Family profiles in eating disorders: Family functioning and psychopathology. *Psychology Research and Behavior Management*, 10, 305-312. <https://doi.org/10.2147/PRBM.S145463>.
- Cipriano, A., Cella, S., & Cotrufo, P. (2017). Non suicidal self-injury: a systematic review. *Frontiers in Psychology*, 8, 1946. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2017.01946>
- Ducher, J. L., & Dalery, J. (2004). Concurrent Validation of Suicidal Risk Assessment Scale with The Beck's Suicidal Ideation Scale. *Encephale*, 30(3), 249-254. [https://doi.org/10.1016/S0013-7006\(04\)95436-X](https://doi.org/10.1016/S0013-7006(04)95436-X).
- Eaddy, M., Zullo, L., Horton, S.E., Hughes, J.L., Kennard, B., Diederich, A., Emslie, G.J., Schuster, L., and Stewart, S.M. A. (2018). Theory-Driven Investigation of the Association Between Emotion Dysregulation and Suicide Risk in a Clinical Adolescent Sample. *Suicide Life-Threat. Behav*, 49(4), 928-940. <https://doi.org/10.1111/sltb.12472>.
- Edmondson, A., Brennan, C., & House, A. (2016). Non-suicidal reasons for self-harm: A systematic review of self-reported accounts. *Journal of Affective Disorders*, 191, 109- 117. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2015.11.043>.
- Esposito, C., Bacchini, D., and Affuso, G. (2019). Adolescent non-suicidal self-injury and its relationships with school bullying and peer rejection. *Psychiatry Res*, 274,1-6. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2019.02.018>.
- Fayed, N., Garrone, J. N., Russell, D. J., & Ronen, G. M. (2021). Quality of life (QOL) narratives of growing up with epilepsy from youth and family perspectives. *Epilepsy & Behavior*, 114, 107613. <https://doi.org/10.1016/j.yebeh.2020.107613>
- Forrester, R. L., Slater, H., Jomar, K., Mitzman, S., and Taylor, P.J. (2017). Self-esteem and non-suicidal self-injury in adulthood: A systematic review. *J Affect Disord*, 15(221),172-183. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2017.06.027>.
- Gandhi, A., Luyckx, K., Baetens, I., Kiekens, G., Sleuwaegen, E., Berens, A., and et al. (2018). Age of onset of non-suicidal self-injury in Dutch-speaking adolescents and emerging adults: an event history analysis of pooled data. *Compr Psychiatry*, 80,170-8. <https://doi.org/10.1016/j.comppsy.2017.10.007>.
- Haddad, L.T., & Shechtman, Z. (2019). Movies as a therapeutic technique in school-based counseling groups to reduce parent-adolescent conflict. *Journal of Counseling and Development*, 97(3), 306- 316. <https://doi.org/10.1002/jcad.12270>.
- Halstead, R. O., Pavkov, T. W., Hecker, L. L., & Seliner, M. M. (2014). Family dynamics and self-injury behaviors: A correlation analysis. *Journal of Marital and Family Therapy*, 40(2), 246-259. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2012.00336.x>.
- Hasking, P., Whitlock, J., Voon, D., & Rose, A. (2016). A cognitive-emotional model of NSSI: Using emotion regulation and cognitive processes to explain why people self-injure. *Cognition and Emotion*, 31(8), 1543- 1556. <https://doi.org/10.1080/02699931.2016.1241219>
- Hill, R., Hunt, Q., Oosterhoff, B., Yeguez, C.E., & Pettit, J. (2019). Perceived Burdensomeness Among Adolescents: A Mixed-Methods Analysis of the Contexts in Which Perceptions of Burdensomeness Occur. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 38(7): 585-604. <https://doi.org/10.1521/jscp.2019.38.7.585>.
- Hill, R. M., Rey, Y., Marin, C. E., Sharp, C., Green, K. L., & Pettit, J. W. (2015). Evaluating The Interpersonal Needs Questionnaire: Comparison of The Reliability, Factor Structure, and Predictive Validity across Five Versions. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 45(3), 302- 314. <https://doi.org/10.1111/sltb.12129>.
- Holley, E.E. (2015). *The lived experience of adolescents who engage in non - suicidal self-injury*. Phd Theses, Clinical Psychology, Antioch University, Santa Barbara. <https://aura.antioch.edu/etds/237>.
- Jaramillo, M., Burke, N. L., Shomaker, L. B., Brady, S. M., Kozlosky, M., Yanovski, J. A., & Tanofsky-Kraff, M. (2018). Perceived family functioning in relation to energy intake in adolescent girls with loss of control eating. *Nutrients*, 10(12), 1869. <https://doi.org/10.3390/nu10121869>.
- Joiner, T. E. (2005). *Why People Die by Suicide*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Kasusar, R., & Khan, S. (2020). Psychosocial factors of non suicidal self-injury among adolescents and young adults. *Pakistan Journal of Psychological Research*, 35(4), 637-655. <https://doi.org/10.33824/PJPR.2020.35.4.34>.
- Klonsky, E.D., Glenn, C.R., Styer, D.M., Olino, T., and Washburn, J.J. (2015). The functions of non - suicidal self-injury: Converging evidence for a two-factor structure. *Child Adolesc. Psychiatry Ment. Heal*, 9:1-9. <https://doi.org/10.1186/s13034-015-0073-4>.
- Klonsky, E. D., & May, A. M. (2015). The three-step theory (3ST): A New Theory of Suicide Rooted in the "Ideation-to-Action" Framework. *International Journal of Cognitive Therapy*, 8(2), 114-129. <https://doi.org/10.1521/ijct.2015.8.2.114>.
- Klonsky, E.D., Saffer, B.Y., & Bryan, C.J. (2018). Ideation-to-action theories of suicide: A conceptual and empirical update. *Current Opinion in Psychology*, 22, 38-43. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2017.07.020>
- Low, Y.T.A. (2021). Family conflicts, anxiety and depressive symptoms, and suicidal ideation of chinese adolescents in hong kong. *Applied Research Quality Life*, 16(6), 2457-2473 (2021). <https://doi.org/10.1007/s11482-021-09925-7>.
- Lim, K.S. Wong, C.H. McIntyre, R.S. Wang, J. Zhang, Z.; Tran, B.X. Tan, W. Ho, C.S. and Ho, R.C. (2019). Global lifetime and 12-month prevalence of suicidal behavior, deliberate self-harm and non-suicidal self-injury in children and adolescents between 1989 and 2018: A meta-analysis. *Int. J. Environ. Res. Public Health*, 16(22), 4581. <https://doi.org/10.3390/ijerph16224581>.
- Liu, R. T. (2017). Childhood adversities and depression in adulthood: current findings and future directions. *Clinical psychology: science and practice*, 24(2), 140 -153. <https://doi.org/10.1111/cpsp.12190>
- Marco, J.H., Gallego-Hernández de Tejada, B., Guillén, V., Baños, R.M., and Pérez, S. (2021). Meaning in Life Buffers the Association between Perceived Burdensomeness, Thwarted Belongingness, and Frequency of Non-Suicidal Self-Injuries in Spanish Adolescents. *J Clin Med*,10(21),4867. <https://doi.org/10.3390/jcm10214867>.
- Matejevic, M., Jovanovic, D., & Lazarevic, V. (2014). Functionality of family relationships and parenting style in families of adolescents with substance abuse problems. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 128, 281-287. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.03.157>
- Mitchell, S.M., Brown, S.L., Roush, J.F., Tucker, R.P., Cukrowicz, k. C., & Joiner, T.E. (2020). The interpersonal needs questionnaire: statistical considerations for improved clinical application. *Assessment*, 27 (3), 621-637. <https://doi.org/10.1177/1073191118824660>.

- Nock, M. K. (2010). Self-Injury. *Annu Rev Clin Psychol*, 6(1), 63-339. <https://doi.org/10.1146/annurev.clinpsy.121208.131258>.
- Nock, M. K., Borges, G., Bromet, E. J., Cha, C. B., Kessler, R. C., & Lee, S. (2008). Suicide and suicidal behavior. *Epidemiologic reviews*, 30(1), 133-154. <https://doi.org/10.1093/epirev/mxn002>
- Nock, M.K., & Prinstein, M.J. (2004). A Functional Approach to the Assessment of Self-Mutilative Behavior. *Journal of consulting and clinical psychology*, 72(5), 885-890. [doi:10.1037/0022-006X.72.5.885](https://doi.org/10.1037/0022-006X.72.5.885).
- Packard T. Tactics for successful organizational change in a youth and family services agency. *Children Youth Serv Rev*. 2017; 81:129–138. <http://dx.doi.org/10.1016/j.chilyouth.2017.07.028>
- Robin, A., & Foster, S. (1989). *Negotiating parent-adolescent conflict: a behavioral family systems approach*. Guilford: New York.
- Rognli, E.W., Aalberg, M., and Czajkowski, N.O. (2021). Using informant discrepancies in report of parent-adolescent conflict to predict hopelessness in adolescent depression. *Clin Child Psychol Psychiatry*, 26(1), 96–109. <https://doi.org/10.1177/1359104520969761>.
- Sansone, R. A., Gage, M. D., & Wiederman, M. W. (1998). Investigation of borderline personality disorder among non-psychotic, involuntarily hospitalized clients. *Journal of Mental Health Counseling*, 20(2), 133-140. <https://www.proquest.com/docview/198792133/>.
- Sansone, R. A., Wiederman, M. W., Sansone, L. A., & Touchet, B. (1998). An investigation of primary care patients receiving extended treatment with selective serotonin reuptake inhibitors. *The American journal of managed care*, 4(10), 1397-1402. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/10338733/>.
- Sansone, R. A., Sellbom, M., & Songer, D. A. (2018). Borderline personality disorder and mental health care utilization: the role of self-harm. *Personal Disord*, 9(2), 188-191. [doi: 10.1037/per0000245](https://doi.org/10.1037/per0000245).
- Sansone, R.A. & Wiederman, M.W. (2015) The self-harm inventory: a meta-analysis of its relationship to the personality diagnostic questionnaire-4 as a measure of borderline personality disorder. *International Journal of Psychiatry in Clinical Practice*, 19 (4): 290-293. [10.3109/13651501.2015.1074708](https://doi.org/10.3109/13651501.2015.1074708).
- Smetana, J.G., Campione-Barr, N. and Metzger, A. (2006). Adolescent Development in Interpersonal and Societal Contexts. *Annual Review of Psychology*, 57, 255-284. <https://doi.org/10.1146/annurev.psych.57.102904.190124>.
- Smith, N. B., Steele, A. M., Weitzman, M. L., Trueba, A. F., Meuret, A. E. (2015). Investigating the role of self-disgust in nonsuicidal self-injury. *Arch. Suicide Res*, 19, 60–74. <https://doi.org/10.1080/13811118.2013.850135>.
- Soole, R., Kølves, K., & De Leo, D. (2015). Suicide in children: a systematic review. *Archives of Suicide Research*, 19(3), 285-304. <https://doi.org/10.1080/13811118.2014.996694>
- Steine, I. M., Winje, D., Krystal, J. H., Bjorvatn, B., Milde, A. M., Grønli, J., ... & Pallesen, S. (2017). Cumulative childhood maltreatment and its dose-response relation with adult symptomatology: Findings in a sample of adult survivors of sexual abuse. *Child Abuse & Neglect*, 65, 99-111. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2017.01.008>
- Swannell, S.V., Martin, G.E., Page, A., Hasking, P, S.t., and John, N.J. (2014). Prevalence of non - suicidal self-injury in nonclinical samples: Systematic review, meta-analysis and meta-regression. *Suicide Life Threat Behav*. 44(3), 273–303. <https://doi.org/10.1111/sltb.12070>.
- Teo, D. C., Suárez, L., & Oei, T. P. (2018). Validation of the interpersonal needs questionnaire of young male adults in Singapore. *PLoS one*, 13(6), e0198839. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0198839>
- Van Orden, K.A., Cukrowicz, K. C., Witte, T. K., & Joiner, T. E. (2012). Thwarted Belongingness and Perceived Burdensomeness; Construct Validity and Psychometric Properties of The Interpersonal Needs Questionnaire. *Psychological Assessment*, 24(1), 197-215. <https://doi.org/10.1037/a0025358>.
- Victor, S.E., Hipwell, A.E., Stepp, S.D., Scott, L.N. (2019). Parent and peer relationships as longitudinal predictors of adolescent non-suicidal self-injury onset. *Child Adolesc Psychiatry Ment Health*, 13, 1-13. <https://doi.org/10.1186/s13034-018-0261-0>.
- Wells, K. C. & Heilbron, N. (2012). Family-Based Cognitive-Behavioral Treatments for Suicidal Adolescents and Their Integration with Individual Treatment. *Cognitive and Behavioral Practice*, 19(2), 301-314. <https://doi.org/10.1016/j.cbpra.2011.06.004>.
- Williams, J. M. G., Duggan, D., Crane, C., & Hepburn, S. (2011). Modes of mind and suicidal processes: The potential role of mindfulness in changing minds. In R. C. O'Connor, S. Platt, & J. Gordon (Eds.), *International handbook of suicide prevention: Research, policy and practice* (pp. 401–418). Chichester: WileyBlackwell.
- Zinchuk, Z., Beghi, M., Beghi, E., Bianchi, E., Avedisova, A., Yakovlev, A., & Guekht, A. (2020): Non-Suicidal Self-Injury in Russian Patients with Suicidal Ideation. *Archives of Suicide Research*, 26(2), 776-800. <https://doi.org/10.1080/13811118.2020.1833801>